

اثر طبع آقای : عبدالحسین سپنتا

اصفهان

تخت جمشید از نظر امروز !

در دل کوه هیولای عظیم تاریخ
 خشک و بیروح فتاده است ز آسیب و گزند
 از ستونهای برافراشته خشکیده
 گوئیا پنجه بر آورده سوی چرخ بلند
 ز آسمان گریه کند ابر به تخت جمشید
 کوه رحمت از دخمه برویش بلخند

رخش از دشمن تاریخ و هنریافت شکست

تنش از زلزله لرزیده و از هم بگسست

بگسسته است و گشوده است دهان و گوید

بیست قرن است فزون گشته بپایین در گاه

گاه اسکندر مقدونی از این ره بگذشت

گاه چون سیل بلا رفت عرب از این راه

هر که هر چیز توانست بغارت بر بود

آنچه مانده است، از آن ظلم و ستم مانده گوا

کاخ آئینه ۲ بدیدم که بر آن سنگی چند

همچو آئینه درخشید بدیسوار بلند

۱- صفه عظیم و وسیع تخت جمشید متصل و دردمان کوه رحمت است در این کوه سه دخمه

یا آرامگاه شاهان هخامنشی مشرف به تخت جمشید است .

۲- کاخ آئینه که در کتیبه میخی «نجر» خوانده شده کاخ کوچک داریوش و دارای

سنگهای صیقلی شفاف است .

صخره کوه زدست بشر زحمتکش
 صاف چون آینه و صیقلی و رخشان شد
 و ندر آن آینه اسرار نهان تاریخ
 آشکارا شد و بس مشکل ما آسان شد
 نقش تاریخ در آن سنگ که چون آینه بود
 دیدم و سنگ چو جام جم جاویدان شد

و ندر آن جام بدیدم که چه آنجا بگذشت
 سنگ اندر نظرم آینه دوران گشت

مرودشت^۱ از طرفی خطه استخر^۲ کهن
 از دگر سوی در آن جام جهان بین دیدم
 گاه از سرو گل و لاله در آن دشت وسیع
 باغ و گلزار و چمن خرم و رنگین دیدم
 گاه از حمله و خون ریزی و قتل و غارت
 شهر استخر سراسر همه خونین دیدم

گردش آئینه تو گوگرد جهانم میداد
 سیر تاریخ از آن دوره نشانم میداد

اندر آن آینه دیدم که ز ظلم فرعون
 داریوش^۳ آمد و از مصر بشد دفع خطر
 ترعه‌ای ساخت که تاریخ فرامش نکند
 متصل گشت از آن نیل بسه بحر احمر

۱- مرودشت جلگه وسیع مقابل تخت جمشید .

۲- استخر سرزمین و شهر قدیم حوالی تخت جمشید .

۳- داریوش فاتح مصر ۵۲۱-۴۸۶ قبل از میلاد .

گذرد تا سپس ، پل بروی بسفر بست
بگذشت از اژه و کرد ز دانوب گذر

لشکرش تا به ترا کیه چودریا زد جوش
ساخت راه نوی از بندر یونان تا شوش

سند و پنجاب همی تا بکنار سیحون
ساحل آب آرال تا بشمال قفقاز
حبش و تونس و مصر و لب رود دانوب
همه بر تخت هخامنشیان پای انداز
چون تمستوکس سردار زیونان بگریخت
سوی این در پناهندگی آمد به نیاز

چون باندیشه امروز بشر سنجیدم

نقش تاریخ در آینه دگرگون دیدم

آن ستونها که بجا مانده ز آپادانا ۱
بس حکایت که ز تاریخ کهن میگوید
هر شکاف و شکن سنگ ز دوران قدیم
بسی اسرار که بگشوده دهن میگوید
هر شکاف از ستمی شاهد تاریخ بود
هر شکن قصه یک عهد شکن میگوید

هر کتیبه چو کتابست از آن دوره پیش

نقش هر سنگ حکایت کند از حالت خویش

۱- آپادانا کاخ عظیم تخت جمشید بنای داریوش کبیر دارای ستونهای بلند و پله‌های
منفصل که الواح زروسیم داریوش در سال ۱۳۱۲ شمسی آنجا پیدا شد .

شه زده تکیه بر اورنگ و غلامی بدو دست
 چترشاهی بگرفته است فراز سراو
 پایه تخت روی دوش گروهی مردم
 گشته ستوار و شده خم همه سرها بر او
 خلق بس هدیه که از پله قصرش بالا
 ببرند و بفزایند بسیم و زر او

آن کسانیکه عیان بر دوسوی ایوانند
 ملل باجگذارند و کماندارانند

سر آن شیر که بگشوده دهن خشم آلود
 با تو از نخوت دیرینه بگفتار بود
 نقش آن شیر که چنگال فرو برده بر اسب
 از خوی رزمی آن دوره نمودار بود
 اثر قدرت و نیروی و فشار و عظمت
 هست، هر نقش که منقور بدیوار بود

گاوها زیر ستونهای گران خم شده اند
 حیوانند که فرمانبر آدم شده اند

این بنا چون هرم مصر و حصار چین نیست
 که ز بیگاری مردم شده باشد برپا
 هر هنرمند زهر جای که آمد، بگرفت
 دستمزد خود و آباد شد این طرفه بنا
 سند زنده پرداخت حق خلق است
 زیر خاک آنهمه لوحی که شد اینجا پیدای

دستمزد و عمل و نام و نشان انسان

ثبت بر لوح گلین است و بود جاویدان

اندر آن آینه دیدم که بمصر و بابل
ای بسا ظلم زخشیار ۲ بود ثبت کتاب
انتقام ما را تن تا که زیونان گیرد
آتش افکند به آتن همه را کرد خراب
اردشیر آمد و آن طرح عظیم کورش
رفت بر باد و شد آن دادگری نقش بر آب

ناگهان در دل آن آینه افتاد شرر
دیدم اندر پس آن شعله رخ اسکندر

سنگ خارا که بدست بشر زحمتکش
بد چو آئینه بمن عبرت تاریخ آموخت
گفت این آینه ماند، آن عظمت رفت بباد
سنگها ماند ولی زینت تالار بسوخت

بیست قرن آنچه بر این قصر گذشته کافی است:

بهر امروز بشر، تجربه باید اندوخت

تخت جمشید سیمتا نه فقط از سنگ است

دل تنگی است که با سنگ دلان در جنگ است

۱- در سال ۱۳۱۲ شمسی در شمال غربی صفا تخت جمشید مخزنی کشف شد که ۳۰ هزار لوحه گل خام بدست آمد و بعداً در جنوب شرقی صفا ۷۵۰ لوحه دیگر پیدا شد که اسناد خرج ساختمان تخت جمشید بود و ثابت شد ساختمان تخت جمشید برخلاف بنای سایر قصور قدیمه با بیگاری و بدست اسرا و بردگان انجام نگرفته و در مقابل کار و زحمت وجه نقد پرداخته شده است

۲- خشیارشا فرزند داریوش ۴۸۶-۴۶۶ قبل از میلاد .